

Original Article**Spiritual Physic, the Struggle between Aghl (Reason) and Hawā (Passion) from Razi Perspective****HamidReza Khakdoost¹, MohammadReza Rajabnejad^{2*}**

1. M.Sc. Student in History of Medicine, Institute of History of Medicine Studies, Islamic and Complementary Medicine, Faculty of Traditional Medicine, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor Department of History of Medicine, Institute of History of Medicine Studies, Islamic and Complementary Medicine, Faculty of Traditional Medicine, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

(Corresponding Author) Email: rajabnejad.mr@iums.ac.ir

Received: 1 Jan 2020 Accepted: 9 Mar 2020

Abstract

Background and Aim: One of the major issues in medicine of Islamic era is the improvement of the morality of the soul. The physicians of the Islamic period, in addition to the health of the body, as a physical aspect, have also taken into consideration the spiritual aspect of the human being. As a physician, philosopher and scientist of the 6th and 7th centuries AH, Muhammad ibn Zakaria Razi, in his book titled "Tibb ar-Ruhani" (Spiritual Physic), had a special interest in the subject of soul and morality health. In this study, the role of reason and passion as two essential factors in spiritual physic from Razi's viewpoint is discussed.

Materials and Methods: This research has been carried out in a library research method and using ancient primary sources and contemporary researches, it is first attempted to introduce Razi and his works and then to place his views on the subject of soul morality by focusing on the book "Tibb ar-Ruhani" (Spiritual Physic).

Findings: Razi in "Tibb ar-Ruhani" has stated the ultimate goal of his book is the improvement of the morality of the soul and the way to do so is to follow wisdom and to cherish reason as the greatest divine blessing and yet to avoid passion. He commends the reason by designating principles and criteria for identifying the threatening factors of the health of the soul and repelling moral vices in all the twenty chapters of the book, and defining philosophers as true rationalists. In this book, he has tried to identify the moral vices in simple terms and then to describe very practically the way of dispelling evil qualities.

Conclusion: Zakariya Razi, as a philosopher physician, though pursuing philosophical and ethical views of Plato and Galen, by using a simplistic and narrative style in various chapters of the book and focusing on reason has led his work eventually become an important and significant source in field of refining the morality of the soul and paying attention to the spiritual aspect of the human for the society.

Keywords: Spiritual Physic; Zakariya Razi (Rhazes); Reason and Passion

Please cite this article as: Khakdoost HR, Rajabnejad MR. Spiritual Physic, the Struggle between Aghl (Reason) and Hawā (Passion) from Razi Perspective. *Med Hist J* 2020; 12(42): 89-97.

طب روحانی، جدال عقل و هوی از دیدگاه رازی

حمیدرضا خاکدوست^۱، محمدرضا رجب‌نژاد^{۲*}

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ علوم پزشکی، مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، دانشکده طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه تاریخ پزشکی، مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، دانشکده طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل)
Email: rajabnejad.mr@iums.ac.ir

دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۱ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۹

چکیده

زمینه و هدف: یکی از موضوع‌های مهم در طب دوره اسلامی، اصلاح اخلاق نفس است. طبیبان دوره اسلامی علاوه بر سلامت بدن به عنوان بُعد جسمانی، به جنبه نفسانی و روحانی انسان نیز توجه داشته‌اند. محمد بن زکریای رازی به عنوان پزشک، فیلسوف و دانشمند قرون ۳ و ۴ قمری در کتاب خود با عنوان «الطب الروحانی» به موضوع سلامت نفس و اخلاق اهتمام ویژه‌ای داشته است. در این پژوهش به نقش عقل و هوی به عنوان دو عامل اساسی در طب روحانی از دیدگاه رازی پرداخته شده است.

مواد و روش‌ها: این پژوهش به روش کتابخانه‌ای صورت گرفته و با استفاده از منابع کهن دسته اول و پژوهش‌های معاصر، تلاش گردیده در ابتدا به معرفی رازی و آثارش پرداخته و سپس با محور قراردادن کتاب طب روحانی، دیدگاه‌های وی در موضوع اخلاق نفس بررسی شود.

یافته‌ها: رازی در طب روحانی غایت کتاب خود را اصلاح اخلاق نفس بیان نموده و راه رسیدن به آن را پیروی از خرد و گرامی‌داشتن عقل به عنوان بزرگ‌ترین نعمت الهی و نیز دوری از هوی بیان می‌دارد. وی با طرح اصول و معیارهایی برای تشخیص عوامل تهدید کننده سلامت نفس و دفع رذایل اخلاقی در تمام فصول بیست‌گانه کتاب، عقل را ستوده و فیلسوفان را به عنوان خردمندان واقعی عنوان می‌نماید. وی در این کتاب سعی نموده با بیان اصولی ساده به شناسایی رذایل اخلاقی پرداخته و سپس با روش کاملاً عملی چگونگی دفع صفتهای ناپسند اخلاقی را بیان نماید.

نتیجه‌گیری: زکریای رازی به عنوان یک پزشک فیلسوف، در اثر طب روحانی خود، اگرچه دنباله رو نظرات فلسفی و اخلاقی افلاطون و جالینوس بوده، اما در نهایت با نوعی ساده‌گویی و روایت‌های داستان‌گونه در فصول مختلف کتاب با محوریت قراردادن عقل سبب گردیده این اثر وی، منبع مهم و قابل توجه‌ای در زمینه چگونگی اصلاح اخلاق نفس و توجه به بعد روحانی انسان برای عموم جامعه گردد.

واژگان کلیدی: طب روحانی؛ زکریای رازی؛ عقل و هوی

مقدمه

۱- زندگی رازی

محمد بن زکریای رازی دانشمند ایرانی و صاحب نام در علم پزشکی در سده‌های میانه اسلامی در سال ۲۵۱ ق. / ۸۶۵ م. در ری (در نزدیکی تهران امروزی) از شهرهای مهم قلمرو حکومت امیر نصر اول سامانی (حکومت از ۲۵۰ تا ۲۷۹ ق. به دنیا آمد. از دوران جوانی و تحصیلات وی اطلاعات زیادی در دسترس نیست. وی پس از کسب علوم مختلف به بغداد رفته و به سبب توانایی وی در پزشکی، به عنوان طبیب مارستانی (بیمارستانی) مشهور شده و ریاست بیمارستان عضدی (معتضدی) بغداد را عهده‌دار شد (۱). رازی با توجه به سکونت در بغداد، به عنوان پایتخت جهان اسلام و با دسترسی به منابع علمی و ترجمه شده و به سبب بهره‌گیری از علوم مختلفی چون: طب، کیمیا، فلسفه و طبیعیات به چنان شهرتی در سده‌های میانه اسلامی رسید که به گفته ابن ندیم در الفهرست، رازی یگانه زمان در عصر خود در تمام علوم باستانی به ویژه طب بوده است. وی در اواخر زندگی خود مجدد به ری بازگشته و به سبب دوستی خود با حاکم سامانی وقت، کتاب‌هایی را به سفارش وی نگاشت (۲).

رازی در پایان عمر خود در ری، مبتلا به بیماری چشم شد و یکی از شاگردان چشم‌پزشک وی از طبرستان برای معالجه او به نزدش آمده، ولی رازی به سبب رنج پس از درمان و این که پایان عمر خود را نزدیک می‌دانست، از درمان سر باز می‌زند. محمد بن زکریای رازی در شعبان سال ۳۱۳ ق. / ۹۲۵ م. در سن ۶۲ سالگی وفات نمود (۳).

۲- در بیان آثار و مصنفات رازی

رازی از معدود دانشمندان مسلمان می‌باشد که فهرستی از آثار خود را ثبت نموده و از سوی مورخان و کتاب‌شناسان امروزه به دست ما رسیده است. مهم‌ترین منبع شناخت آثار رازی رساله‌ای از ابوریحان بیرونی دانشمند نامی قرن پنجم قمری به نام «رساله للبیرونی فی فهرست کتب محمد بن زکریاء الرازی» بوده که به فهرست طبقه‌بندی‌شده رازی در علوم گوناگون اشاره نموده و لیستی بالغ بر ۱۸۴ عنوان مجلد از آثار

رازی را فراهم آورده است. این کتاب توسط پاول کراوس^۱ خاورشناس برجسته در پاریس، توسط مطبعه القلم در سال ۱۹۳۶ تصحیح و منتشر گشت. دکتر محمود نجم‌آبادی با بررسی گفته‌های ابن ندیم، بیرونی، قفطی و ابن ابی‌اصیبه و تطبیق آن‌ها با یکدیگر و همچنین همکاری با شرق‌شناسانی چون مایرهورف و پاول کراوس و ارتباط با کتابخانه‌های مختلف جهان در طی بیست و اندی سال تحقیق خود پیرامون رازی، مجموعه ۲۷۱ کتاب و رساله را از زکریای رازی دانسته است (۳-۴).

رازی صاحب آثار متعددی در علوم مختلف چون فلسفه، پزشکی، کیمیا، طبیعیات، الهیات و دیگر علوم بوده که ابوریحان بیرونی آن‌ها را تقسیم‌بندی و لیست نموده است. با توجه به شهرت رازی در صناعت پزشکی، در بین آثار زکریای رازی پرداختن به سلامت اخلاق و نفس در کنار سلامت جسمانی اهمیت ویژه‌ای داشته، به طوری که وی کتاب مستقلی در این زمینه با نام «الطب الروحانی» تألیف نموده و بیرونی آن را در ذیل موضوع (اثر شماره ۱۸۴ در رساله بیرونی) آورده است (۳).

مواد و روش‌ها

این پژوهش که به روش کتابخانه‌ای و با دید توصیفی و تحلیلی انجام شده، در ابتدا به موضوع اخلاق و طب روحانی در دوره اسلامی پرداخته و در ادامه به کتاب شناسی طب روحانی رازی و تصحیح عربی آن توسط پاول کراس پرداخته شده و آخرین ترجمه‌های این اثر به دیگر زبان‌ها معرفی خواهد شد. در بررسی متن کتاب طب روحانی، فصول بیست‌گانه کتاب به اجمال مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت به تبیین نقش عقل و هوی به عنوان عوامل اصلی زمینه‌ساز بروز صفت‌های نیک و ناپسند اخلاقی از دیدگاه رازی پرداخته خواهد شد.

یافته‌ها

۱- پیشینه طب روحانی

طب روحانی و یا طب نفس که موضوع اصلی آن علم اخلاق و توجه به سلامت نفس می‌باشد، مورد توجه بسیاری از طبیبان و دانشمندان بوده است. فیلسوفان یونانی چون افلاطون، ارسطو و جالینوس آثار بسیاری در موضوع اخلاق به رشته تحریر درآورده‌اند. جالینوس در کتاب «اخلاق النفس» و چند کتاب دیگر، خود به این موضوع به طور مفصل پرداخته است. در دوران اسلامی نیز آثار متعددی در علم الاخلاق و یا طب روحانی تألیف گردیده که می‌توان به اثری از یعقوب بن اسحاق کندی به نام «الطب الروحانی» اشاره نمود (۵).

رازی به عنوان طبیب و فیلسوفی مشهور که فلسفه و طب را مطابق با نظرات جالینوس به کار برده و بدان‌ها اشراف و اعتقاد داشته به «جالینوس عرب» نیز مشهور است. رازی که در غرب از وی با عنوان Rhazes و Al-Razi نام برده می‌شود، برخی آثارش در قرون ۱۲ و ۱۳ میلادی در اروپا به زبان لاتین ترجمه گردید. کتاب «الحاوی» وی در پزشکی توسط فرج بن سلیم^۱ پزشک یهودی در سال ۱۲۷۹ در ناپل به به زبان لاتینی ترجمه گردید (۶-۷). رازی در کنار علمی چون فلسفه، پزشکی، کیمیا و الهیات در باب اخلاق و تربیت نفس آثاری داشته که مهم‌ترین آن‌ها اثری به نام «الطب الروحانی» می‌باشد. رازی این اثر خود را همچون کتاب «المنصوری فی الطب» به سفارش حاکم سامانی وقت ری، ابوصالح منصور بن اسحاق بن احمد بن اسد (حکومت از ۲۹۰ تا ۲۹۶ ق.) نوشته است (۸). این اثر زکریای رازی، امروزه تصحیح و به زبان‌های مختلفی در دسترس می‌باشد. اولین مطالعات پیرامون کتاب طب روحانی رازی در دوران معاصر توسط دی بوئر^۲ شرق‌شناس هلندی انجام گرفت. یکی از محققین شرق‌شناس معاصر که بعد از دی بوئر حول آثار فلسفی رازی و همچنین موضوع اخلاق و طب روحانی در آثار اسلامی تحقیقات بسیاری انجام داده پاول کراوس (۱۹۴۴-۱۹۰۴ م.) می‌باشد. پاول کراوس طی مقاله‌ای با نام Raziana

I در سال ۱۹۳۵ به رازی و آثارش پرداخته و سپس در سال ۱۹۳۷ کتاب طب روحانی را به زبان عربی تصحیح نمود (۱۰-۹). کراوس در ضمن کتاب «رسایل فلسفیه» که به چند رساله رازی و مناظره وی با ابوحاتم رازی اشاره دارد، کتاب طب روحانی را در فصل اول آورده است. کراوس در تصحیح این رساله از سه نسخه خطی موجود در بریتانیا، واتیکان و دارالکتب المصریه و همچنین از کتاب اقوال الذهبیه اثر حمیدالدین کرمانی استفاده نموده است. مهدی محقق با بررسی نسخه‌های مورد استفاده کراوس به نسخه‌ای قدیمی از طب الروحانی رازی در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به صورت میکرو فیلم با شماره ۱۵۵۹ برخورد کرده که قدمت آن به ۶۳۶ ق. می‌رسد و عکس آن نسخه را در کتابش آورده است (۱۱).

کتاب تصحیح شده عربی طب روحانی توسط کراوس در سال‌های بعدی مورد توجه محققان و مأخذی برای مترجمان بعدی قرار گرفته و از سوی مراکز انتشاراتی در داخل و خارج کشور چاپ گردیده است. متن تصحیح شده کراوس به اهتمام مهدی محقق نیز در صفحات ۶۷ الی ۱۶۴ کتاب «الدراسه التحلیلیه لکتاب الطب الروحانی للطیب الفیلسوف محمد بن زکریا الرازی» توسط انتشارات دانشگاه تهران و دانشگاه مک گیل به طور مشترک در سال ۱۳۷۸ ش. / ۱۹۹۹ م. تجدید چاپ گردیده که در این پژوهش به آن استناد شده است (۱۱).

از این اثر رازی ترجمه‌ای به زبان انگلیسی در ۱۱۰ صفحه با نام «The Spiritual Physick of Rhazes» توسط آرتور. ج. آربری^۳ در سال ۱۹۵۰ در لندن منتشر گشت. ترجمه دیگر طب روحانی رازی به زبان فرانسوی بوده که توسط Rémi Brague با عنوان «La Médecine Spirituelle» در سال ۲۰۰۳ چاپ شده است. ترجمه‌های فارسی این اثر نیز موجود بوده که ترجمه پرویز اذکایی توسط انتشارات قلم در سال ۱۳۸۱ ش. / ۲۰۰۲ م. از جمله این چاپ‌ها می‌باشد.

۲- جایگاه طب روحانی رازی در علوم اسلامی

در صنعت پزشکی از دیرباز این سنت دیرین که طبیب فاضل باید فلسفه نیز بداند، مورد توجه بسیاری از طبیبان و

1. Farag Ibn Salim

2. De Boer

3. Arthur J. Arberry

می‌نماید و در فصل دوم با عنوان «فی قمع الهوی و ردعه و جمله من رای افلاطون الحکیم» در مذمت هوی و رد آن از قول افلاطون پرداخته است. رازی در فصل سوم با عنوان «جمله قدمت قبل ذکر عوارض النفس الرديه علی انفرادها» بیان می‌دارد که دو فصل اول کتاب مقدمه فصول بعدی بوده و به بیان اصول شناخت فضایل و رذایل اخلاقی و دفع آن‌ها می‌پردازد. در فصل چهارم با عنوان «فی تعرف الرجل عیوب نفسه» رازی به نقل از جالینوس و کتاب وی در این زمینه، خلاصه نظر جالینوس در موضوع روش شناختن عیب‌های آدمی توسط خودش را عنوان می‌نماید. رازی معیار شناسایی و روش برخورد با آن‌ها را همان پیروی از عقل و دوری از هوی و شهوت به روش قیاس و مثال معرفی می‌نماید (۹).

رازی در فصل‌های ۵ تا ۱۸ در چهارده فصل به ترتیب به صفات ناپسندی چون عشق، عجب، حسد، غضب، کذب، بخل، دل‌نگرانی‌ها، غم، شر و آز، شراب، جماع، و آع، کسب درآمد و دنیادوستی پرداخته و بعد از معرفی روش شناخت آن‌ها و عوامل مؤثر بر نحوه دفع آن‌ها به سلامت نفس می‌پردازد. در فصل نوزدهم با عنوان «فی السیره الفاضله» به بیان رفتار و منش نیکو و مصادیق آن پرداخته و آن را صفت حکیمان و فلاسفه عنوان می‌نماید. وی انسان را به دوری از کردار و آموزه‌های ناپسند فردی و اجتماعی و همچنین پرهیز از آموزه‌های دینی غیر عقلی سفارش می‌نماید. وی در فصل نهمایی با عنوان «فی الخوف من الموت» به بیان علت ترس از مرگ توسط انسان‌ها پرداخته است. رازی بیان می‌دارد که نمی‌توان مرگ را از نفس راند و بیان می‌دارد که علت حس ترس از مرگ آن است که این حس از نفس و هوی می‌آید. چنانچه انسان قانع گردد که بعد از مرگ، نفس (روح) مطابق نگرش بسیاری از ادیان به حالی بهتر از حال قبل از مرگ در خواهد آمد، دیگر گرفتار هوای نفس و ترس از مرگ نخواهد شد. پایان الامر با توجه به کتاب طب روحانی تصحیح کراوس، رازی بعد از حصول هدف خود، کتاب را در نعت و سپاس خداوند این‌گونه پایان می‌برد: «و اذ قد أتینا علی قصد کتابنا و بلغنا آخر غرضنا فیه فإنا خاتمون کلامنا بالشکر لربنا عزوجل.

فیلسوفان بوده و کتابی به نام «فی ان الطیب الفاضل یجب ان یكون فیلسوفا» که به بقراط یا جالینوس منسوب است، زبازند اطبا و حکما بوده است (۱). علت پرداختن به فلسفه در علوم گوناگون، یادگیری اصولی است که برای درک و قیاس مولفه‌های یک علم و همچنین ارتباطشان با یکدیگر مورد نیاز است. کتاب البرهان جالینوس مثالی از این دست است که حاوی اصولی فلسفی و قیاس‌هایی است که طبیب در استنباط طب بدان‌ها نیاز دارد. رازی به عنوان طبیب و فیلسوفی مشهور، فلسفه و طب را مطابق با نظرات افلاطون و جالینوس به کار برده و بدان‌ها اشراف داشته و در آثارش بدان‌ها اشاره نموده است (۱۱).

پزشکی از دیدگاه بسیاری از طبیبان دوره اسلامی شامل دو جنبه جسمانی و روحانی (یا نفسانی) بوده که در این زمینه تألیفات بسیاری به رشته تحریر درآمده است. با توجه به تقسیم‌بندی علوم در گذشته که اخلاق را جزء عملی فلسفه دانسته و از طرفی قرارگیری کتاب طب روحانی رازی در زیرمجموعه علوم الهیات از دیدگاه ابوریحان بیرونی، شاهد ارتباط بین طب روحانی، پزشکی، فلسفه و الهیات خواهیم بود. رازی در آغاز کتاب طب روحانی می‌گوید که این کتاب قرین کتاب «المنصوری فی الطب» رازی (در طب جسدانی) بوده و بیان می‌دارد در طب روحانی به طب نفوس خواهد پرداخت (۱۲).

رازی کتاب را در بیست فصل به نگارش درآورده و به اختصار و به دور از پیچیدگی‌های فلسفی به تبیین نقش عقل و هوا در سلامت نفس پرداخته است. وی با معرفی عوامل زمینه‌ساز بیماری نفس، تحت عنوان رذایل اخلاقی به چگونگی شناخت و دفع این عوامل می‌پردازد. وی در کتابش عنوان می‌دارد که غایت کتاب و موضوع طب روحانی همانا اصلاح اخلاق نفس است و ابن ابی‌اصیبعه نیز بدان اشاره می‌نماید (۱۳).

۳- معرفی فصول بیست‌گانه کتاب طب روحانی

محمد بن زکریای رازی فصل اول کتاب طب روحانی را با عنوان «فی فضل العقل و مدحه» با مدح عقل و خرد مطلب را آغاز کرده و عقل را والاترین نعمت خداوند به انسان ذکر

فالحمد لله واهب كل نعمه و كاشف كل غمه حمداً بلا نهايه كما هو أهله و مستحقه» (۹).

۴- طب روحانی: جدال عقل و هوی از دیدگاه رازی

رازی در معرفی عقل و نقش آن در سلامتی، در فصل اول کتاب به ستایش عقل به عنوان بزرگ‌ترین هدیه خداوند بر انسان و عوامل برتری آن بر حیوان می‌پردازد. وی به نقش عقل در کشف پدیده‌ها و یافته‌های انسان در علوم و فنون مختلف اشاره نموده و سودمندترین چیزهایی را که تاکنون بدان رسیده‌ایم را به عقل منتسب می‌نماید. وی بیان می‌دارد که همیشه و در هر حالی باید اندیشه و خرد را ارج نهاده و بدان اتکا و اعتماد نماییم و هیچ‌گاه هوی را بر عقل چیره نسازیم که همیشه عقل و خرد عامل پاکی و روشنی انسان می‌گردد. رازی نیز در بیان شناخت هوی و خصایص آن از آرای افلاطون بهره برده و مطابق نظرات جالینوس، هوی را همیشه در مقابل عقل دانسته و این دو را تأثیرگذار در نفوس سه‌گانه: ناطقه، غضبیه و سه دیگر شامل نباتیه، نامیه و شهوانیه دانسته و تأثیر هوی بر این نفوس را بررسی نموده است. وی قدرت یافتن هوی را عامل ناتوانی نفس ناطقه و سبب نیرومند شدن نفس غضبیه و شهوانیه می‌داند (۹). به عقیده زکریای رازی، جوهر نفس ناطقه بعد از مرگ و فساد بدن باقی مانده و نفس نباتیه و حیوانیه که جوهری خاص ندارند، در خدمت نفس ناطقه بوده و بعد از مرگ نیز از بین خواهند رفت. وی همچنین ادعان می‌دارد که نفس غضبیه در سرکوبی نفس شهوانیه نفس ناطقه را یاری می‌دهد (۹).

رازی بیان می‌دارد که انسان باید با طب جسمانی و طب روحانی افعال این نفوس را در تعادل نگاه داشته تا قصور و تجاوز از عقل روی ندهد. در صورت بروز رذایل اخلاقی، انسان عاقل (خردمند) تلاش می‌نماید با کمک طب نفسانی و طب روحانی به برگرداندن تعادل هوی و عقل در انسان و دفع رذایل اخلاقی بپردازد. رازی شخص خرمدند را دائماً از غلبه و طغیان نفس غضبی و شهوانی بر نفس ناطقه و خردگرا نهیب داده و شایسته است فرد خرمدند در این کشمکش و رویایی نفس‌ها بر هوی خشم گرفته و با غیرت خود شهوت را دور نموده و عقل را حاکم احوال خود نماید (۹). زکریای رازی دو

گروه متفاوت که یکی گرایندگان به هوی و دیگری مقابله کنندگان با آن است را با یکدیگر مقایسه نموده و بیان می‌دارد، در فرجام کار دریغ و افسوس حاصل تابعان هوی خواهد بود. وی می‌گوید که شخص سرکوبگر هوی، اگرچه ممکن است در ابتدا تلخی چشد و سختی ببیند، اما در پایان کار شیرینی و خوشی نصیب وی شده و خرسند خواهد گشت (۹). رازی برخی صفات انسانی چون خشم‌گرفتن و نوشیدن شراب و مستی را بالذات، کورکننده و زائل‌کننده عقل دانسته و در آن شخص به طور ناگهانی (در خشم) و یا به مرور (در میگساری) قدرت تفکر خود را از دست داده و به سمت غلبه نفس غضبیه و شهوانیه بر نفس ناطقه پیش خواهد رفت (۹).

۵- در بیان شناخت و تمایز بین عقل و هوی در پدیده‌ها

در چگونگی اصلاح اخلاق نفس و روش برخورد با رذایل اخلاقی، رازی اصولی را در کتاب خود به صورت منطقی رعایت نموده و در برخی از فصول کتاب به این دیدگاه خود اشاره نموده که همانا رمز آن پیروی از عقل و دوری از هوی، لذت و شهوت می‌باشد (۹). رازی روش و دیدگاه خود را در شناخت و چگونگی برخورد عملی با صفات پسندیده و رذایل اخلاقی را تمثیل و قیاس عقلی بیان می‌دارد و می‌گوید شخص عاقل باید با قیاس عقلی به فرجام کارها بیاندهد (۹). در برخی موارد هوی خود را چنان موجه نشان داده که بسان عقل ظاهر شده و رازی در این‌گونه موارد بیان می‌دارد که خرد و عقل همیشه هرچه را با اوست و برای اوست می‌بیند در صورتی که هوا این‌گونه ظاهر نمی‌گردد. بر خرمدند واجب است که جهت تمایز هوی و عقل در رفتارها، همیشه پدیده‌ها را خوب بنگرد. رازی جهت درک بیشتر تفاوت میان عقل و هوی خواننده را به صناعت برهان ارجاع داده و می‌گوید در کتاب البرهان خود در فصلی سترگ مفصل به آن پرداخته است (۹).

همچنین رازی در مواجهه با برخی صفات‌های اخلاقی ناپسند با احتیاط رفتار نموده و یک‌جانبه به دفع کامل آن دستور نمی‌دهد، بلکه شخص را سفارش به شناخت رذیله اخلاقی با درکی عمیق‌تر نموده است. در فصل دهم در بیان بخل می‌فرماید که اگر شخص با دوراندیشی و نگاه به فرجام برخی کارها که ممکن است سبب تهیدستی و بیچاره‌گی فرد

برخلاف ادیبان و شاعران، از عشق به دور بوده و کم‌تر در گرداب لذت و پیروی از هوی افتاده و بدین‌جهت فلاسفه یونان را از نمونه‌های بارز عقل‌گرایی و دوری‌کننده از عشق معرفی نموده و آن‌ها را بسیار می‌ستاید (۹).

۷- تأثیر هوی بر صحت جسم و توجه به نقش طبایع

رازی سلامتی نفس و اخلاق را در سلامتی جسم و تن آدمی مؤثر دانسته و ردایل اخلاقی را عامل گرفتاری جسم و مریضی کالبد انسان می‌داند. تأثیر هوی در جسم چنان است که رازی نمونه‌های بسیاری از آن را در فصول مختلف کتاب یادآوری می‌نماید. وی حرص به خوراک و پرخوری را سبب سوءهضم و تولید مشکلات جدی گوارشی دانسته (۹) و یا بی‌خوابی‌ها، سوءتغذیه طولانی‌مدت و همچنین تیرگی رخسار و بدمزاجی را از عوارض حسد می‌داند (۹). زمانی که رازی به موضوع جماع می‌پردازد، زیاده‌روی در نزدیکی با زنان را سبب سپیدی مو، پژمردگی تن، ناتوانی و پیری زودرس می‌داند (۱۲)، وی همچنان از میگساری و مستی به عنوان بزرگ‌ترین آفت یاد نموده و مستی را همنشین دائمی هوی دانسته و آن را مسبب ضعف تدریجی نفس ناطقه و شتاب انسان به سمت کارهای نسنجیده و منافی عقل می‌داند. رازی در بیان عوارض جسمانی حاصل از میگساری و مستی به تب‌های داغ، آماس‌های زردایی و خون‌آبی، لرزش و ضعف اعصاب و همچنان پرشدگی قلب و مرگ ناگهانی اشاره می‌نماید (۱۲). با توجه به ویژگی‌های متفاوت انسان‌ها و نقش طبایع در بیماری‌های جسمی و روحی، رازی در طب روحانی خود نیز به این عامل بنیادی اشاره نموده است. در فصل یازدهم در مبحث دفع غم بیان می‌نماید، به سبب اختلاف طبع و عادت مردمان، مقدار تحمل فکر زیاد و هم و غم توسط افراد مختلف متفاوت بوده و در این میان برخی بیشتر از غم آسیب خواهند دید. تمام این‌ها نمونه‌ای از اثر متقابل نفس و صفات اخلاقی بر کالبد فیزیکی انسان می‌باشد (۹).

۸- نقش شخص ناظر و دوستان در شناخت و دفع ردایل

اخلاقی انسان

با توجه به این‌که انسان به تنهایی قادر به شناخت کامل افعال صادره از خود و درک فضایل و ردایل خود نبوده، از این

گردد، تمایل به حفظ اموال خود داشته باشد، این نحوه برخورد را موجه دانسته و در مقابل، چنانچه شخص به دور از تفکر به فرجام در امور، بخل ورزیده و بخشندگی ننماید، این امر را گرفتاری در نوعی ردیله اخلاقی می‌داند (۹). در فصل کسب درآمد نیز چنین برخوردی از رازی دیده می‌شود و بیان می‌دارد، چنانچه کسب درآمد در جهت رفع نیاز بوده و شخص را به صفات ردیله بد دچار نسازد، امری معقولانه بوده و چنانچه برای جمع‌آوری مالی بیش از حد نیاز، خود را به تکاپو و زحمت بسیار انداخته و سبب تحریک صفت زیاده‌خواهی و حسد گردد آن را امری نابخردانه و در جهت هوی نفس می‌داند (۹).

۶- عشق، لذت و اعتیاد

یکی از عواقب پرداختن به هوی، کم‌رنگ‌تر شدن نقش عقل به عنوان چراغ راهنما و کلید رهایی از رفتارهای ناپسند اخلاقی می‌باشد. رازی میل و اشتیاق مدام در رفتارهای ناپسند و گرفتاری در هوی را نکوهیده و از آن با عنوان نوعی اعتیاد یاد کرده است. وی در فصل عشق، از صفتی به نام لذت نیز یاد نموده و زیاده‌روی در آن را مسبب برخی مشکلات اخلاقی دانسته است. رازی لذت را نوعی بازگشت به طبیعت معرفی نموده و در کشف ماهیت آن خواننده را به منبعی دیگر از آثارش با عنوان «فی مائیه اللذه» رهنمون می‌سازد (۹). از این کتاب تاکنون اثری به دست نیامده، اما ناصر خسرو در طی قول هجدهم «اندر اثبات لذات» از کتاب «زاد المسافرین» خود در بحث لذات به آرای رازی از کتاب «فی مائیه اللذه» اشاره و به نقد آن‌ها می‌پردازد (۵). رازی اهمیت‌دادن به لذات، به ویژه لذت باه را نوعی گرفتاری در دام هوی یاد می‌نماید که در این حالت شخص عاشق و دائم لذت‌جویی به مرور شهوت بر شهوتش افزوده و در نهایت تبدیل به بنده‌ای فرمانبر و اسیر دائم هوی می‌گردد که رهایی از آن بسیار سخت خواهد شد (۹). برخی صفات اخلاقی بد، اگرچه در ابتدا برای فرد غیر خردمند خوشایند جلوه می‌نماید، اما در نهایت امر آن‌ها فرجام بدی داشته و به پیروی از هوی و بروز ردایل اخلاقی می‌انجامد (۹). رازی معتقد است افراد خردمند و عقل‌گرا که نشانه آن‌ها توجه دائم به تفکر در برخورد با مشکلات و پدیده‌ها بوده

نتیجه‌گیری

کتاب طب روحانی یکی از مهم‌ترین آثار رازی در موضوع اصلاح اخلاق نفس می‌باشد. رازی با قرین دانستن کتاب طب منصوره خود (در پزشکی تن) و کتاب طب روحانی وی (در سلامت نفس) به هر دو جنبه جسم و نفس در سلامتی انسان توجه دارد که نشان‌دهنده ارتباط و تأثیر طب روحانی بر طب جسمانی و بالعکس از دیدگاه رازی دارد. همانطور که در طب جسمانی پیشگیری از بیماری‌ها مقدم بر درمان است، در طب روحانی نیز رازی پیروی از عقل و دوری از هوی را عامل پیشگیرانه دانسته و در این رابطه اصولی را مطرح می‌نماید. جدال عقل و هوی به عنوان دو نیروی متضاد در کسب اخلاق فاضله و یا ابتلا به بیماری نفس یکی از ویژگی‌های بارز تفکر رازی در فصول گوناگون کتاب طب روحانی می‌باشد. بعد از شناخت رذایل اخلاقی توسط خود شخص یا فرد ناظر بر اعمال وی، با بهره‌گیری از نیروی عقل و قوه تفکر به چگونگی دفع این رذایل پرداخته و در این رابطه از ساده‌گویی، حکایت‌گویی و اشعار جهت رسیدن به غایت کتاب استفاده می‌نماید، اگرچه توجه به فلاسفه یونانی و تأثیر از افکار افلاطون و جالینوس در این اثر کاملاً مشهود بوده، اما تطابق‌پذیری برخی آرای وی در شناخت و مقابله با رذایل اخلاقی با آموزه‌های اسلامی که در کتابش به طور مستقیم بدان‌ها اشاره نکرده، نشان از پیچیدگی‌های کشف منابع فکری رازی در این اثر می‌باشد که باید مد نظر تحقیقات بعدی قرار گیرد.

رو از نگاه رازی بهتر است، انسان جهت شناخت کامل رفتار و برانداختن صفات اخلاقی ناپسند از فردی خردمند به عنوان ناظر بر رفتار و اعمالش بهره گیرد. شخص ناظر چون آینه اعمال وی بوده باید هر چه از رذایل و بدخویی‌های فرد می‌بیند ذکر نموده و از آن‌ها به هر عنوانی چشم‌پوشی ننماید. زکریای رازی در باب روش برخورد با دشمنان و ستیزه‌جویانی که قصد برملانمودن عیب‌ها و زشتی‌های انسان را دارند، به کتاب جالینوس با نام «فی انّ الاخیار ینتفعون باعدائهم» اشاره نموده که در روش برخورد با دشمنان و چگونگی نفع رسیدن از آن‌ها به انسان مطالبی به تفصیل عرضه می‌دارد (۹).

۹- ساده‌گویی و ذکر تمثیل در طب روحانی

با مطالعه طب روحانی درمی‌یابیم، اگرچه طبیعی فیلسوف چون رازی ملزم به رعایت اصول و مبانی فلسفی و منطقی در آثار خود بوده، اما رازی در این اثر با رعایت اصول کلامی و فلسفی و تحقق هدف خود از نهایت ساده‌گویی و دوری از اصطلاحات فلسفی بهره گرفته است. رازی در کتاب «الطب منصوره» خود که قبل از طب روحانی آن را نوشته و به پادشاه سامانی تقدیم نمود، نیز به کوتاه‌گویی و ساده‌گویی خود در نگارش آن اشاره نموده است (۱۴).

رازی تلاش می‌نماید با بیان نقل قول‌هایی از زبان دیگران و یا ذکر داستان و اشعار هرچه بیشتر، خود را با مخاطب که عموم مردم بوده نزدیک نموده و در جهت نیل به غایت کتاب خود که همانا چگونگی کسب فضیلت‌های انسانی و دوری از اخلاق‌های ناپسند بوده استفاده نماید. وی در فصل دوازدهم از تأثیر شر و آرز بر اخلاق نفس انسان، مطالبی آورده و از ناراحتی و رنج حاصل از پرخوری حکایتی برای خواننده بیان می‌نماید (۱۲). ذکر حکایت از پادشاهی که بیهوده دست بر ریش خود می‌کشید (۱۲) و کشتی شکسته‌ای که کل مال و اندوخته‌های وی در دریا غرق گردید (۱۲) و یا ذکر اشعاری در وصف مرد دوراندیش (۱۲)، نمونه‌هایی از حکایت‌گویی و ساده‌گویی رازی در طب روحانی می‌باشد. این اثر نشان از اهمیت شناخت نوع مخاطب و درک خواننده توسط رازی داشته و از این جهت می‌تواند مورد توجه پژوهشگران در تحقیقات آتی قرار گیرد.

References

1. Ebn Joljol S. Ṭabaqāt al-atebbā' wa'l-ḥokamā'. Edited by Fo'ād Sayyed as Les générations des médecins et des sages, L'Institut français d'archéologie orientale du Caire, Textes et traductions d'auteurs orientaux 10. Fo'ād Sayyed, editor. Cairo: French Scientific Institute of Oriental Archeology Press; 1955. p.19, 77.
2. Ebn al-Nadim M. Ketāb al-Fehrest. 3rd ed. Edited by Tajaddod MR. Tehran: Amirkabir; 1987. p.532. [Persian]
3. Biruni A. Resala Lelbiruni fi Fehrest kutub Moḥammad ibn Zakariyyā' al-Rāzi. Edited by Kraus P. As Epître de Bêrûnî contenant le répertoire des ouvrages de Muḥammad b. Zakariyyâ al-Râzî. Edited by Kraus P. Paris: Jacob; 1936. p.5-6, 19.
4. Maḥmud Najmābādî. Mo'allafāt wa moṣannafāt-e Rāzi. Tehran: Tehran University; 1992. p.4. [Persian]
5. Moḥaghegh M. Fīlsūf-i-Rayy, Muḥammad ibn-i Zakariyyā-i-Rāzî. Tehran: Institute of Islamic Studies McGill University, in Collaboration with Tehran University; 1974. p.162-165, 235. [Persian]
6. Richter-Bernburg L. Abubakr Muhammad al-Razi's (Rhazes) Medical Works. *Medicina nei Secoli* 1994; 6(2): 377-392.
7. Lenn E. Goodman. Al-Rāzî, Abū Bakr Muḥammad. 2nd ed. Leiden: Brill; 1995. p.474-477.
8. Al-Hamawi Y. Mu'jam ul-Buldān. Edited by Wüstenfeld F. Leipzig: F.A. Brockhaus; 1886. Vol.2 p.901.
9. Al-Razi ABM ibn Z. The spiritual physick of Rhazes. Edited by Arberry AJ. London: Murray; 1950. p.9.
10. Kraus P. Raziana I. *Orientalia* 1935; 4(1): 300-334.
11. Moḥaghegh M. Al-Dirasat al-Tahliliyya, Analytical Studies on The Spiritual Physic of Razl with the arabic edition of P. Kraus and a new manuscript. Tehran: Institute of Islamic Studies McGill University, In Collaboration with Tehran University; 1999. p.15, 67-164, 236. [Persian]
12. Zakariyyā' al-Rāzi M. Al-Tibb' al-Rohanî. Edited by Moḥaghegh M. Al-Dirasat al-Tahlilīyya Analytical Studies on The Spiritual Physic of Razl in Persian, Arabic and English together with the Arabic edition of P Kraus and a new manuscript. Tehran: Institute of Islamic Studies McGill University in Collaboration with Tehran University; 1999. p.1-2, 14, 20-21, 32-33, 35, 38-39, 42, 51, 56, 60-62, 70, 73-75, 78, 83-86, 88, 92-94, 96. [Persian]
13. Ibn Abī Uṣaybi'a A. Uyūn ul-Anba'fi Ṭabaqāt ul-Aṭibba. Edited by Müller A. Cairo: Al-Wahbi Printing Press; 1882. p.315.
14. Zakariya al-Razi M. Mansuri fi Tebb. Edited by Bakr Sedighi H. Kuwait: Almunazamat Alearabiat Liltarbiat Walthaqafat Walulum; 1987. p.17, 220.